Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research
Vol. 14, No. 2, Summer 2024, 27-53
DOI: 10.21859/priw-140202

A Comparative Study of the Concept of Freedom in the Political Thought of Morteza Motahhari and John Stuart Mill

Masome Zaeribasir[1], Mohammadreza Hatami[2], Ahmad Bakhshayesh ardestani[3], Akbar Ashrafi[4]

Date of Received: 2025/08/16 **Date of Acceptance**:2025/10/09

Abstract

This study presents a comparative analysis of the concept of freedom from the perspectives of Shahid Morteza Motahhari and John Stuart Mill. The findings reveal that despite fundamental differences in their intellectual foundations, these two thinkers arrive at similar conclusions in certain aspects. Mill, with his liberal approach, considers freedom an inherent right of the individual, limiting it only by the principle of not harming others. In contrast, Motahhari, with his Islamic approach, defines freedom within the framework of religious and ethical responsibilities.

Mill emphasizes individual autonomy and secular rationality in his works, whereas Motahhari views freedom as a means for spiritual growth. Politically,

1. PhD student, Department of Political Science - Political Thought, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran , m.zaeribasir@iau.ac.ir

2. Professor, Department of Political Science, Payame Noor University, Tehran, Iran(Responsible author)

3. Professor, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Faculty of Political Science, Islamic Azad University, Tehran, Iran

4. Associate Professor, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

Mill advocates for liberal democracy, while Motahhari presents the concept of religious democracy. In the social sphere, both thinkers, albeit with different foundations, pay special attention to women's rights. A significant commonality between them is their critique of dogmatism and intellectual authoritarianism. Additionally, both warn against the consequences of extreme materialism. Mill proposes strengthening critical rationality as a solution, while Motahhari seeks the remedy in a return to religious values. This study demonstrates that a comprehensive understanding of freedom in the contemporary world requires attention to both intellectual traditions. A comparative examination of these perspectives can foster constructive dialogue between different cultures and civilizations, offering more balanced solutions to the complex challenges of modern societies.

Keywords: Motahhari, Mill, freedom, Islam, liberalism

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال چهاردهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳، صص ۵۳ – ۲۷

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۴۰۲۰۲

بررسی تطبیقی مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی شهید مرتضی مطهری و جان استوارت میل

معصومه زائری بصیر[۱]
محمد رضا حاتمی[۲]
احمد بخشایشی اردستانی[۳]
اکبر اشرفی[۴]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۷

چکیده

این پژوهش به بررسی تطبیقی مفهوم آزادی از دیدگاه شهید مرتضی مطهری و جان استوارت میل می‌پردازد. مسئله اصلی این است که با وجود نقش محوری آزادی در گفتمان‌های سیاسی مدرن و دینی، برداشت‌ها و حدود آن در این دو منظومه فکری به طور بنیادینی متفاوت است. این تحقیق با هدف واکاوی این تفاوت‌ها و همچنین کشف نقاط اشتراک احتمالی برای امکان گفتگوی بینافرهنگی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد این دو متفکر علیرغم تفاوت‌های بنیادین در مبانی فکری، در برخی وجوه به نتایج مشابهی رسیده‌اند. میل با رویکرد لیبرالیستی، آزادی را حق ذاتی فرد دانسته و تنها محدودیت آن را اصل عدم آسیب به دیگران می‌داند. در مقابل، مطهری با رویکرد اسلامی، آزادی را در چارچوب مسئولیت‌های دینی و اخلاقی تعریف می‌کند. میل در آثار خود بر استقلال فردی و عقلانیت سکولار تأکید دارد، حال آنکه مطهری آزادی را وسیله‌ای برای تکامل معنوی می‌داند. در حوزه سیاسی، میل از دموکراسی لیبرال دفاع می‌کند، درحالی که مطهری بحث مردمسالاری دینی را ارائه می‌دهد. در عرصه اجتماعی، هر دو متفکر اگرچه با مبانی متفاوت، به حقوق زنان توجه ویژه‌ای داشته‌اند. نقطه اشتراک مهم این دو اندیشمند، نقد آنها از جزم‌اندیشی و استبداد فکری است. همچنین هر دو نسبت به پیامدهای مادی‌گرایی افراطی هشدار داده‌اند. میل راه حل را در تقویت عقلانیت انتقادی می‌داند، اما مطهری درمان را در بازگشت به ارزش‌های دینی جستجو می‌کند. این مطالعه نشان می‌دهد که فهم جامع مفهوم آزادی در جهان معاصر نیازمند توجه به هر دو سنت فکری است. به عنوان یافتههای پژوهش می‌توان تأکید کرد که اولاً، هیچ‌یک از دو دیدگاه، آزادی را مطلق و نامحدود نمی‌پذیرند، اما معیار و دامنه محدودسازی آن‌ها (اصل آسیب در مقابل ارزش‌های دینی و اخلاقی) کاملاً متمایز است. ثانیاً، علیرغم تفاوت در مبانی، هر دو اندیشه بر نقش غیرقابل انکار آزادی در پیشرفت فرد و جامعه صحه می‌گذارند و این نقطه عزیمتی مهم برای گفت‌وگوهای فلسفی آینده است..

واژه‌های کلیدی: مطهری، میل، آزادی، اسلام، لیبرالیسم

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی- اندیشه های سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ، ایران ، m.zaeribasir@iau.ac.ir
۲. استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران(نویسنده مسئول)
۳. استاد گروه علوم سیاسی ، واحد تهران مرکز، دانشکده علوم سیاسی ،دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
٤. دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

مقدمه

شهید مطهری و جان استوارت میل دو اندیشمند برجسته در حوزه فلسفه اخلاق و سیاست هستند که دیدگاه‌های آن‌ها درباره آزادی و عدالت تأثیر عمیقی بر تفکر معاصر گذاشته است. مطهری به عنوان یک فیلسوف اسلامی، عدالت را به عنوان پایه اصلی جامعه اسلامی مطرح می‌کند و معتقد است که آزادی بدون قید و شرط می‌تواند به بی‌عدالتی منجر شود. از نظر او، آزادی باید در چارچوب ارزش‌های اخلاقی و دینی تعریف شود تا جامعه به تعادل برسد. در مقابل، جان استوارت میل به عنوان یکی از مدافعان لیبرالیسم کلاسیک، بر اصل آزادی فردی تأکید دارد و معتقد است که افراد باید در انتخاب شیوه زندگی خود آزاد باشند، مگر آن‌که به دیگران آسیب بزنند. میل در اثر معروف خود «درباره آزادی» استدلال می‌کند که محدود کردن آزادی افراد تنها در صورتی قابل توجیه است که از آسیب به دیگران جلوگیری کند. این تفاوت‌های بنیادین بین مطهری و میل، پرسش‌های مهمی را ایجاد می‌کند: آیا آزادی مطلق بدون در نظر گرفتن عدالت اجتماعی می‌تواند به یک جامعه مطلوب منجر شود؟ چگونه می‌توان بین آزادی فردی و عدالت جمعی تعادل برقرار کرد؟ آیا دیدگاه اسلامی مطهری می‌تواند با اصول لیبرال میل سازگار باشد یا این دو نگاه ماهیتاً در تعارض هستند؟ شهید مرتضی مطهری و جان استوارت میل به عنوان دو نماینده برجسته سنت فکری اسلامی و لیبرال غربی، دیدگاه‌های عمیقاً متفاوتی در باب مفهوم آزادی ارائه داده‌اند که بررسی تطبیقی آن‌ها از چند جهت ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌یابد. نخست آنکه در فضای فکری کنونی جهان، تقابل یا گفت‌وگوی تمدن‌ها به یکی از مباحث محوری تبدیل شده و آزادی به عنوان یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم این گفتمان، نیازمند واکاوی دقیق‌تر در دو منظومه فکری مذکور است. دوم آنکه جوامعی مانند ایران که در حال گذار از سنت به مدرنیته هستند، همواره با این پرسش اساسی مواجه‌اند که چگونه می‌توان بین آزادی فردی و ارزش‌های جمعی یا دینی توازن برقرار کرد. در این میان، انتخاب این دو اندیشمند به طور خاص از آن روست که مطهری به عنوان یک نظریه‌پرداز اسلامی، توانسته است با بهره‌گیری از منابع دینی، نظریه‌ای منسجم درباره آزادی ارائه دهد که همسو با ارزش‌های اسلامی باشد، و میل نیز به عنوان معمار لیبرالیسم کلاسیک، تاثیرگذارترین نظریه را در دفاع از آزادی فردی در غرب عرضه کرده است. بنابراین، مقایسه این دو چارچوب فکری در نقطه اوج خود، می‌تواند به درک بهتری از نسبت آزادی و دین، فرد و جامعه، و سنت و مدرنیته بینجامد. انتخاب این دو اندیشمند به طور خاص، از آن روست که میل، به عنوان «معمار لیبرالیسم کلاسیک»، تاثیرگذارترین چارچوب نظری را برای آزادی منفی (آزادی از اجبار) ارائه داده است، و مطهری نیز به عنوان «نظریه‌پرداز برجسته اسلامی» در دوران معاصر،

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

کوشیده است تا برداشتی سازگار از آزادی در چارچوب ارزش‌های دینی تبیین کند. بنابراین، مقایسه این دو، در حقیقت مقایسه دو الگوی پارادایمی در اوج خود است که می‌تواند به درک بهتری از نسبت آزادی و دین، فرد و جامعه، و سنت و مدرنیته بینجامد.

از آنجا که مسائل مربوط به آزادی بیان، حقوق فردی و عدالت اجتماعی همچنان از چالش‌های اساسی در جوامع مختلف هستند، بررسی این موضوع می‌تواند به سیاست‌گذاران و فیلسوفان کمک کند تا راهکارهای بهتری برای تعیین حدود آزادی و تحقق عدالت طراحی کنند. این پژوهش از روش تحلیلی- توصیفی استفاده می‌کند و با بررسی آثار اصلی مطهری و میل، استدلال‌های آن‌ها را مقایسه و نقد خواهد کرد. در نهایت، این تحقیق می‌کوشد تا نشان دهد که چگونه می‌توان از این دو دیدگاه برای رسیدن به یک جامعه متعادل بهره برد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

پیشینه تحقیق

ارجمندی و آقاگل‌زاده(۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «تأثیرات اجتماعی و فردی حجاب بر زنان مسلمان»، به مقایسه اندیشه‌های مرتضی مطهری و قسیم امین پرداخته‌اند. آنها دو ویژگی حق و تکلیف را در اندیشه‌های این دو متفکر دنبال می‌کنند. به نظر آنها این دو ویژگی مبنای بحث مطهری است در حالی که در دیدگاه امین جایی ندارد. و همین تفاوت بنیادین در نگاه به مسأله حجاب منجر به تفاوت‌های اساسی در دیدگاه‌های آنها نسبت به جنسبت و خصوصاً در بحث حضور اجتماعی زن شده است.

آیت‌اللهی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «مقایسه روش تحلیل فلسفی استاد مطهری در اخلاف و روش پدیدارشناسی هوسولی»، مراحل چهارگانه روش پدیدارشناسی هوسرلی را با تحلیل فلسفی مطهری از اخلاق مورد مقایسه قرار داده است.

نجفی و جوادزاده(۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «مقایسه فلسفه علم تاریخ از دیدگاه ابن‌خلدون و استاد مطهری»، به این نتیجه رسیده‌اند که با وجود تأیید کلی هر دو اندیشمند نسبت به تاریخ نقلی، به‌نظر می‌رسد اعتماد شهید مطهری به مطالب تاریخ نقلی در مقایسه با ابن‌خلدون بیشتری است. علیرغم اینکه قانون‌مندی تاریخ و اجتماع انسانی نزد هر دو متفکر مسلم می‌باشد، مطهری دستیابی به آن قوانین را به دلیل پیچیدگی انسان و به ویژه جامعه انسانی، دشوار دانسته است.

قنبری و همکاران(۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «نسبت علم و دین در فلسفه ایان باربور و نقد آن از منظر استاد مرتضی مطهری»، به این نتیجه رسیده‌اند که مطهری با واکاوی پیش‌فرض‌های ذهنی افراد در

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

پی مکمل بودن رابطه علم و دین است و اعتقاد دارد که علم و دین به یکدیگر نیازمندند. آراء باربور در آخرین اظهارنظرش درباره رابطه علم و دین با تکیه بر الهیات پویشی از تمایز علم و دین به مکمل بودن این دو تغییر یافت.

صالحی و همکاران(۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی جایگاه دیگرگزینی در نظریه تربیت اخلاق جان‌وایت و مرتضی مطهری»، به این نتیجه رسیده‌اند که هر دو متفکر قائل به دیگرگزینی روان‌شناختی بر اساس تقریر ضعیف هستند، یعنی انسان‌ها می‌توانند برای منفعت رساندن به دیگران نیز افعالی انجام دهند. وایت هدف نهایی تربیت اخلاقی را بهروزی مرتبیان مطرح می-کند اما مطهری بر اساس آموزه‌های اسلامی هدف غایت تربیت اخلاقی را قرب الهی در نظر می‌گیرد.

غازی‌اصفهانی و کافی(۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی دیدگاه شهید مطهری و ماکس وبر در مسأله شرور با تأکید بر شیوع کرونا»، به این نتیجه رسیده‌اند که مطهری معتقد است شرور فاعلی ندارد اما از دیدگاه ماکس وبر، شر مانند خیر فاعل دارد و با طرح نظریه عقلانیت خود درصدد معنابخشی به زندگی و توجیه درد و رنج از طریق دین است. از دیدگاه شهید مطهری شرور بخشی از نظام یکپارچه عالم هستند، در حالی که از دیدگاه ماکس وبر درد و رنج باعث اختلال در معناست. در رویکرد مطهری شرور دارای فوایدی نیز هست اما در رویکرد وبری شرور فاقد معناست.

رفیعی(۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بازکاوی و مقایسه جایگاه عادت در تربیت از دیدگاه مرتضی مطهری و امانوئل کانت»، به این نتیجه رسیده است که مطهری در مجموع با ایجاد عادات در متربی موافق است، برای تبیین دیدگاه برگزیده خود در اقدامی ابتکاری عادت را به فعلی و انفعالی تقسیم کرده است و کانت نیز عادت را برای تربیت زیانبار خوانده است و بنابراین نگرش مطهری و کانت نسبت به عادت و تربیت بسیار به هم نزدیک و بلکه یکی است.

رحمتی(۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «گونه‌شناسی تطبیقی رویکرد آشتیانی و مطهری به فلسفه غرب»، دیدگاه‌های این دو اندیشمند درباره فلسفه غرب را به‌گونه‌ای تطبیقی مورد بررسی قرار داده و سپس دلایل برتری رویکرد مطهری بیان شده است.

اسدی‌فر و همکاران(۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «مقایسه مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی شهید مطهری و فردریش هایک»، به این نتیجه رسیده‌اند که آزادی در اندیشه مطهری بیشتر جنبه نهادی و فطری دارد و در اندیشه هایک به صورت نهادی و در ارتباط با نهادهای اقتصادی و سیاسی دنبال می‌شود.

صدر(۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان بررسی تطبیقی دیدگاه شهید مطهری با دیدگاه متیو لیپمن درباره

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

اهداف تعلیم و تربیت، به این نتیجه رسیده‌اند که با وجود برخی اشتراکات تعلیم و تربیتی میان مطهری و لیپمن، از آنجام که این دو از نظام‌های ارزشی و انسان‌شناختی متفاوت متأثر هستند، دیدگاه‌های آنها درباره هدف غایی تعلیم و تربیت با یکدیگر تفاوت دارد.

توانا و قربی(۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی انسان‌شناسی آیت‌الله مطهری و سنت‌آگوستین»، به این نتیجه رسیده‌اند که آگوستین انسان را موجودی منفرد می‌داند که ناگزیر از زندگی جمعی در این دنیای زمینی است در حالی که مطهری بیش از هر چیز انسان را موجودی اجتماعی می‌داند که دارای مسئولیت فردی نیز هست. همچنین هر دو متفکر اراده و عقلانیت را برترین قوه انسانی می‌دانند.

سهیلی و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «منطق تبیین اجتماعی در علوم اخلاقی از منظر جان استوارت میل» به بررسی این موضوع می‌پردازند که میل با الهام از فیزیک نیوتنی و اقتصاد سیاسی، در پی تدوین منطق ویژه‌ای برای تبیین پدیده‌های اجتماعی در علوم اخلاقی بود. آنان با تحلیل کتاب «نظام منطق» استدلال می‌کنند که میل برای فائق آمدن بر چالش جمع میان «ضرورت و کلیت قوانین علمی» با «اراده آزاد انسانی»، از ترکیب «اقتصاد سیاسی» به عنوان یک علم قیاسی با «رویکرد تاریخی» استفاده کرده و روش «قیاسی معکوس» یا «روش تاریخی» را به عنوان راهکار معرفی می‌کند. در این پژوهش نشان داده می‌شود که میل «اتولوژی» یا «علم شخصیت جمعی» را به عنوان میانجی و علم واسط بین قوانین عام روان‌شناسی (قوانین ذهن) و جامعه‌شناسی قرار می‌دهد. به باور نویسندگان، رهاورد روش‌شناختی این نظام فکری، پیوند دادن علم اجتماعی با تاریخ از منظری پوزیتیویستی و ارائه روش تاریخی-تحلیلی است که هم از فلسفه‌های کلان تاریخ فاصله دارد و هم به مطالعه صرفاً تفسیری امور جزئی بسنده نمی‌کند.

نیکسر و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «خوانشی جماعت‌گرایانه از فمینیسم لیبرال در اندیشهٔ جان استوارت میل» به بررسی تقابل و نقاط اشتراک اندیشه میل در حوزهٔ عدالت جنسیتی با چهار متفکر جماعت‌گرا (السدیر مکاینتایر، چارلز تیلور، مایکل والزر و مارتا نوسبام) می‌پردازند. آنان با به‌کارگیری روش هرمنوتیک کوئنتین اسکینر نشان می‌دهند که اگرچه میل در مؤلفه‌های اصلی لیبرالیسم مانند فردگرایی، بی‌طرفی دولت، نادیده گرفتن سنت‌ها و جهان‌شمولی، عموماً در تقابل با جماعت‌گرایان قرار دارد، اما به دلیل پایبندی به «کثرت‌گرایی اخلاقی» استثناهایی در این مواضع قائل می‌شود. یافته اصلی این پژوهش آن است که نقطه اشتراک اصلی میل با جماعت‌گرایان، باور به «ویژگی منحصربه‌فرد شخصیت هر فرد» و دفاع از «حق تفاوت» است. با این حال، مبانی فکری آنان در تبیین این حق متفاوت

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

است؛ حق تفاوت نزد میل ریشه در رمانتیسیسم روسو و هردر دارد، در حالی که جماعت‌گرایان آن را در چارچوب «حکمت عملی» و «اخلاق فضیلت» ارسطویی تعریف می‌کنند. این مقاله نتیجه می‌گیرد که فمینیسم میل، با وجود خاستگاه لیبرال و جهان‌شمول، به دلیل ماهیت استقرایی و زمینه‌مندی که دارد، در عمل می‌تواند به اشکالی خاص‌گرایانه و متناسب با شرایط جوامع مختلف درآید.

اسماعیلی و حکاک (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه استقرا در نظام منطقی جان استوارت میل» به بررسی بنیادهای معرفت‌شناختی نظام منطقی میل با تمرکز بر نقش محوری استقرا می‌پردازند. نویسندگان با تحلیل کتاب «نظام منطق» استدلال می‌کنند که میل، با انکار هرگونه معرفت پیشینی و تکیه بر تجربه به عنوان تنها منبع معرفت، استقرا را تنها روش ممکن برای گسترش دانش بشری می‌داند. آنان نشان می‌دهند که میل برای توجیه استقرا، آن را به دو نوع «استقرای شمارشی ساده» (برای قوانین عام مانند علیت) و «استقرای حذفی» (برای کشف قوانین علی جزئی) تقسیم می‌کند و اصل یکنواختی طبیعت را به عنوان پشتوانه این فرآیند معرفی می‌کند. این پژوهش در نهایت نتیجه می‌گیرد که تلاش میل برای ارائه مدلی تجربه‌باورانه از استنتاج علمی، با وجود دستاوردهای روش‌شناختی (مانند ارائه چهار روش پژوهش علمی: توافق، تفاوت، باقیمانده و تغییرات همزمان)، از نظر فلسفی ناتمام و ناهماهنگ است. به باور نویسندگان، میل با شروع از استقرا، توجیه استقرا را نیز با تکیه بر خود استقرا انجام می‌دهد و در دایرهٔ استقرا گرفتار می‌ماند، بی‌آنکه به «مسئله استقرا» که هیوم مطرح کرد، پاسخی فلسفی دهد. این امر نشان از عدم دقت کافی فلسفی در بنیان‌گذاری نظام منطقی او دارد.

همان‌طور که مشاهده می‌شود تاکنون پژوهش مستقلی به بررسی تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و میل نپرداخته است؛ لذا این پژوهش می‌تواند خلاء موجود در این زمینه را پر کند. بر همین اساس برای آنکه بتوان بررسی تطبیقی جامعی انجام داد از چند شاخص برای این منظور استفاده می‌گردد تا آرا و اندیشه‌ها در قالب آن مورد مقایسه قرار بگیرد. ابتدا تفاوت‌های دیدگاه این دو اندیشمند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مطالعه تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و استوارت میل

در این پژوهش، برای انجام مقایسه‌ای نظام‌مند و پرهیز از کلی‌گویی، شاخص‌های مقایسه بر اساس مؤلفه‌های کلیدی مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی و نیز با توجه به مبانی اختلاف‌برانگیز بین دو سنت فکری اسلام و لیبرالیسم انتخاب شده‌اند. این شاخص‌ها شامل «تعریف آزادی» (به عنوان نقطه آغازین

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

هر نظریه‌پردازی)، «حدود آزادی» (به عنوان عینی‌ترین وجه تمایز)، «رابطه آزادی و اخلاق» (برای نمایان‌کردن تفاوت در مبانی ارزشی)، «آزادی سیاسی و اجتماعی» (برای سنجش تجلی عینی نظریه) و «نقش دولت» (به عنوان نهاد تضمین‌کننده یا محدودکننده آزادی) می‌شوند. انتخاب این شاخص‌های خاص—و نه دیگر جنبه‌ها—از آن روست که آن‌ها مستقیماً به هسته نظریه آزادی هر دو متفکر مربوط می‌شوند و امکان مقایسه‌ای ساختاریافته را فراهم می‌سازند که هم عمق مبانی فلسفی و هم دامنه پیامدهای عملی آن را می‌سنجد. در یک نگاه کلان، مقایسه آرای شهید مطهری و جان استوارت میل در مسئله آزادی ذیل چند محور اصلی قابل صورت‌بندی است که در ادامه به تفصیل مورد تحلیل قرار خواهند گرفت. مهم‌ترین این محورها عبارتند از: مبانی فلسفی و تعریف آزادی که نقطه آغازین افتراق این دو اندیشه است؛ حدود و قلمرو آزادی با تمرکز بر تقابل «اصل آسیب» میل و «چارچوب ارزشی» مطهری؛ رابطه آزادی با اخلاق و نسبت سکولار آن در اندیشه میل در مقابل پیوند الهیاتی آن در منظومه فکری مطهری؛ تجلیات سیاسی-اجتماعی آزادی از جمله نقش دولت، آزادی بیان و حقوق زنان؛ و در نهایت، نقاط اشتراک قابل تأمل همچون نقد جزم‌اندیشی و دغدغه مشترک درباره انحطاط اخلاقی جامعه.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

تعریف آزادی

در بررسی تطبیقی مفهوم آزادی در اندیشه‌ی شهید مرتضی مطهری و جان استوارت میل، شاخص نخست یعنی «تعریف آزادی» به عنوان پایه‌ای اساسی برای فهم تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو اندیشمند عمل می‌کند. از دیدگاه شهید مطهری، آزادی مفهومی است که در چارچوب ارزش‌های دینی و اخلاقی تعریف می‌شود و به هیچ‌وجه نمی‌توان آن را جدای از مسئولیت‌های انسان در برابر خدا و جامعه در نظر گرفت. مطهری در کتاب «انسان و سرنوشت» تأکید می‌کند که آزادی واقعی زمانی محقق می‌شود که انسان از بندگی غیر خدا رها شود و تنها در پرتو عبودیت پروردگار است که فرد به آزادی حقیقی دست می‌یابد (مطهری، ۱۳۵۷: ۴۲). این نگاه، آزادی را نه به معنای رهایی مطلق از هر گونه قید و بند، بلکه به مثابه آزادی مسئولانه‌ای می‌داند که در خدمت رشد معنوی و تکامل اجتماعی انسان قرار دارد. به عبارت دیگر، از منظر مطهری، آزادی بدون التزام به اخلاق و دین، به هرج و مرج و فساد منجر می‌شود و لذا نمی‌توان آن را به عنوان ارزشی مطلق پذیرفت. در مقابل، جان استوارت میل در اثر مشهور خود «درباره آزادی»، آزادی را به عنوان حق هر فرد در تعیین سرنوشت خویش تعریف می‌کند، مشروط بر آن‌که این حق به دیگران آسیب نرساند. میل با ارائه اصل موسوم به «اصل آسیب»، استدلال می‌کند که تنها دلیلی که می‌توان به

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

موجب آن آزادی فردی را محدود کرد، جلوگیری از آسیب به دیگران است (جوادی و حسینی،۱۳۹۶). این تعریف از آزادی، برخلاف نگاه مطهری، کاملاً سکولار و مبتنی بر عقلانیت فردگرایانه است و هیچ گونه مرجعیت دینی یا اخلاقی فراتر از خرد انسانی را به رسمیت نمی‌شناسد. میل در این اثر تصریح می‌کند که حتی اگر فردی عملی را انجام دهد که از نظر جامعه ناپسند یا غیراخلاقی تلقی شود، باز هم جامعه حق مداخله ندارد، مگر آن‌که آن عمل مستقیماً به دیگران آسیب بزند. این دیدگاه، برخلاف اندیشه مطهری، آزادی را به حوزه خصوصی فرد گسترش می‌دهد و آن را از هر گونه قید و بند اخلاقی یا دینی رها می‌سازد. در نگاه مطهری، آزادی بدون هدایت دینی به انحراف کشیده می‌شود و لذا نمی‌توان آن را به عنوان هدف نهایی در نظر گرفت، بلکه آزادی وسیله‌ای است برای رسیدن به کمال انسانی که در پرتو دین محقق می‌شود. او در کتاب «عدل الهی» اشاره می‌کند که آزادی زمانی ارزشمند است که در مسیر عدالت و تقوا قرار گیرد و در غیر این صورت، به استبداد و ظلم تبدیل می‌شود (مطهری، ۱۳۶۰: ۸۷). این دیدگاه با تکیه بر آموزه‌های اسلامی، آزادی را در چارچوبی الهی تعریف می‌کند و آن را از مفاهیم مدرن غربی که مبتنی بر اومانیسم و سکولاریسم هستند، متمایز می‌سازد. در مقابل، میل با تکیه بر فلسفه سودگرایی استدلال می‌کند که آزادی فردی نه تنها به سود خود فرد است، بلکه به پیشرفت جامعه نیز کمک می‌کند. او در فصل دوم «درباره آزادی» می‌نویسد که حتی اگر اکثریت جامعه با عقیده‌ای مخالف باشند، باز هم نباید مانع بیان آن شد، چرا که آزادی بیان به کشف حقیقت و رشد فکری جامعه می‌انجامد (جوادی و حسینی،۱۳۹۶). این نگاه، برخلاف دیدگاه مطهری، هیچ گونه محدودیت دینی یا اخلاقی را برای آزادی بیان قائل نیست و تنها معیار محدودکننده را «آسیب به دیگران» می‌داند. یکی از تفاوت‌های کلیدی بین این دو اندیشمند در تعریف آزادی، به نقش دین و اخلاق در تعیین حدود آن برمی‌گردد. مطهری معتقد است که آزادی بدون التزام به اخلاق الهی، به ویرانگری می‌انجامد و لذا نمی‌توان آن را به عنوان یک حق مطلق پذیرفت. او در کتاب «پیرامون انقلاب اسلامی» اشاره می‌کند که آزادی در غرب به معنای رهایی از قیود دینی است، در حالی که در اسلام، آزادی به معنای رهایی از بندگی غیرخدا و حرکت در مسیر عبودیت است (مطهری، ۱۳۵۸، ص ۱۱۲). این نگاه، آزادی را در چارچوبی الهی تعریف می‌کند و آن را از مفاهیم لیبرال غربی متمایز می‌سازد. در مقابل، میل با رد هر گونه مرجعیت فراتر از خرد انسانی، آزادی را به عنوان حقی طبیعی و ذاتی برای هر فرد تعریف می‌کند که هیچ نهاد یا عقیده‌ای نمی‌تواند آن را محدود کند، مگر در مواردی که به حقوق دیگران تجاوز شود. این تفاوت بنیادین در تعریف آزادی، به اختلاف این دو اندیشمند در سایر شاخص‌ها نیز دامن می‌زند و باعث می‌شود که نتوان به سادگی بین این دو دیدگاه

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

آشتی برقرار کرد. در مجموع می‌توان گفت که هر دو متفکر به اهمیت آزادی فردی و اجتماعی اعتقاد دارند، اما در تعریف و حدود آن با یکدیگر اختلاف نظر اساسی دارند. مطهری آزادی را در چارچوب دین و اخلاق تعریف می‌کند و آن را وسیله‌ای برای تکامل معنوی انسان می‌داند، در حالی که میل آزادی را حقی طبیعی و سکولار می‌داند که تنها در صورت آسیب به دیگران قابل محدود شدن است. این تفاوت‌ها ریشه در مبانی فلسفی و اعتقادی این دو اندیشمند دارد که یکی بر مبنای الهیات اسلامی و دیگری بر اساس لیبرالیسم غربی استوار شده است.

حدود آزادی

تفاوت دیگر در نگرش این دو اندیشمند به مسأله آزادی بیان و عقیده مشاهده می‌شود. مطهری در کتاب «علل گرایش به مادی‌گری» با اشاره به خطرات گسترش افکار مادی‌گرایانه، معتقد است که آزادی بیان نباید به‌گونه‌ای باشد که بنیان‌های اعتقادی جامعه را تضعیف کند و لذا در مواردی که اصول دینی و اخلاقی جامعه به خطر می‌افتد، محدودیت‌های مشروع بر آزادی بیان ضروری است (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۵۴). این دیدگاه با تأکید بر نقش هدایت‌گر دین در جامعه، آزادی را در خدمت حقیقت می‌داند نه ابزاری برای ترویج هر گونه عقیده‌ای بدون توجه به پیامدهای آن. در مقابل، میل با دفاع سرسختانه از آزادی بیان حتی برای عقاید نامتعارف و غیراخلاقی، استدلال می‌کند که سرکوب هر عقیده‌ای به‌صرف نامطلوب بودن، جامعه را از امکان تصحیح خطاها و کشف حقایق جدید محروم می‌سازد (حاتم‌پوری،۱۳۹۷). او حتی در مواردی که عقیده‌ای کاملاً باطل باشد، معتقد است که ممنوعیت آن به تقویت تعصب و جمود فکری می‌انجامد و لذا جامعه باید از آزادی بیان حداکثری دفاع کند. در حوزه آزادی‌های فردی و سبک زندگی نیز اختلاف نظر این دو متفکر کاملاً مشهود است. مطهری در کتاب «مسأله حجاب» با استناد به آیات قرآن، آزادی زنان در انتخاب پوشش را مشروط به رعایت حجاب شرعی می‌داند و هر گونه بی‌قیدی در این زمینه را نه‌تنها نقض ارزش‌های اسلامی، بلکه تهدیدی برای سلامت اجتماعی قلمداد می‌کند (مطهری، ۱۳۴۳: ۷۲). این نگاه نشان می‌دهد که در اندیشه مطهری، آزادی‌های شخصی نیز تابعی از احکام دینی هستند و نمی‌توان آن‌ها را صرفاً بر اساس خواست فرد تعریف کرد. در مقابل، میل در دفاع از اصل حاکمیت فرد بر خود[1] تأکید می‌کند که هر فردی حق دارد حتی اعمالی را انجام دهد که به‌ظاهر به خودش آسیب می‌زند، مانند مصرف مواد مخدر یا خودزنی، به‌شرط آن‌که این اعمال به دیگران آسیبی

1. Self-Ownership

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

نرساند (حاتم‌پوری،۱۳۹۷). این دیدگاه افراطی در دفاع از آزادی فردی، نشان‌دهنده اختلاف عمیق بین نگاه لیبرال میل و نگاه دینی مطهری است. در مواجهه با مسأله آزادی سیاسی نیز این تفاوت‌ها به‌وضوح دیده می‌شود. مطهری در کتاب «پیرامون جمهوری اسلامی» با تأکید بر مردمسالاری دینی، آزادی سیاسی را در چارچوب احکام اسلام مشروع می‌داند و معتقد است که حکومت اسلامی موظف است هم از مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی خود دفاع کند و هم مانع از گسترش افکار و اعمال ضد دینی شود (مطهری، ۱۳۵۸: ۲۰۳). این نگاه ترکیبی از آزادی و مسئولیت، نشان‌دهنده تلاش مطهری برای ایجاد توازن بین حقوق فردی و ارزش‌های جمعی در یک جامعه‌ی دینی است. در مقابل، میل با دفاع بی‌قیدوشرط از دموکراسی لیبرال، هر گونه محدودیت بر آزادی‌های سیاسی را محکوم می‌کند و حتی از حق اقلیت‌ها برای مخالفت با اکثریت دفاع می‌نماید.

رابطه آزادی و اخلاق

مطهری در «عدل الهی» با نقد اخلاق سودگرایانه، استدلال می‌کند که پیوند آزادی با اخلاقیات زمانی استوار می‌ماند که مبنایی الهی داشته باشد، چرا که اخلاق زمینی همواره در معرض تحریف و تفسیرهای سلیقه‌ای قرار دارد (مطهری، ۱۳۶۰: ۱۲۳). او آزادی میل را صوری و خطرناک می‌داند، چرا که با جدا کردن اخلاق از دین، در نهایت به نسبی‌گرایی اخلاقی می‌انجامد. در مقابل، میل در «درباره آزادی» تصریح می‌کند که جامعه نباید حتی اعمال غیراخلاقی افراد را محدود کند، مگر آنکه به دیگران آسیب برساند و معتقد است تجربه شخصی بهترین راه برای کشف اخلاقیات است (سهیلی و همکاران،۱۴۰۳). این دیدگاه که آزادی را بر اخلاق مقدم می‌دارد، از نظر مطهری نشانه بارز انحطاط تمدن غرب است. در مسأله رابطه آزادی و تکلیف نیز اختلاف نظر شدیدی بین این دو اندیشمند وجود دارد. مطهری در «انسان کامل» با الهام از فلسفه اسلامی، آزادی را مکمل مسئولیت می‌داند و معتقد است انسان هر چه به کمال نزدیک‌تر می‌شود، هم آزادتر و هم متعهدتر می‌گردد (مطهری، ۱۳۵۵: ۱۸۴). این نگاه تکاملی نشان می‌دهد که از دیدگاه اسلامی، آزادی و اخلاق نه تنها تعارضی ندارند، بلکه لازم و ملزوم یکدیگرند. در حالی که میل با تفکیک قاطعانه حوزه عمومی و خصوصی، معتقد است اخلاقیات امری کاملاً شخصی است و جامعه حق ندارد حتی برای مصلحت فرد، آزادی‌های او را محدود کند (بوربوری،۱۳۹۹). این فردگرایی افراطی از نظر مطهری، ناشی از نگاه تقلیل‌گرایانه به ماهیت انسان است. در مسأله نسبت آزادی و فضیلت نیز مطهری در «سیری در نهج‌البلاغه» با استناد به کلام امام علی(ع)، آزادی بی‌قید را موجب

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

اسارت انسان در شهوات می‌داند و تأکید می‌کند که تنها با رعایت تقواست که انسان به آزادی حقیقی دست می‌یابد (مطهری، ۱۳۵۲: ۲۰۷). این نگاه که آزادی را در گرو تهذیب نفس می‌داند، کاملاً در تقابل با دیدگاه میل قرار دارد که آزادی را مقدم بر فضیلت می‌شمارد و معتقد است افراد باید آزاد باشند تا حتی راه‌های غیرفضیلت‌مندانه را نیز تجربه کنند. میل در نامه‌ای به دوستش توماس کارلایل می‌نویسد: «تجربه‌گری اخلاقی حتی با خطر سقوط فرد همراه باشد، برای پیشرفت جامعه ضروری است» (نیک‌سیر و همکاران، ۱۴۰۲). این آزمایشگری اخلاقی از دید مطهری، نشانه بارز بی‌پناهی انسان مدرن در برابر بحران معنویت است.

در نهایت، در مسأله آزادی و سعادت نیز این دو متفکر به کلی از هم فاصله می‌گیرند. مطهری در «تعلیم و تربیت در اسلام» با تبیین نظریه فطرت، استدلال می‌کند که آزادی زمانی به سعادت می‌انجامد که در مسیر شکوفایی فطرت الهی انسان قرار گیرد (مطهری، ۱۳۶۱: ۵۶). در حالی که میل سعادت را صرفاً در افزایش لذات و کاهش آلام دنیوی تعریف می‌کند و آزادی را بهترین ابزار برای محاسبه سود و زیان فردی می‌داند (سهیلی و همکاران، ۱۴۰۳). این تفاوت در تعریف سعادت، نشان می‌دهد که چگونه مبانی انسان‌شناختی این دو اندیشمند، برداشت‌های کاملاً متفاوتی از نسبت آزادی و اخلاق پدید آورده است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

آزادی سیاسی و اجتماعی

در مسأله حقوق اقلیت‌ها نیز این دو متفکر رویکردهای متضادی دارند. میل در «تأملاتی درباره حکومت انتخابی» با تأکید بر حقوق اقلیت‌های سیاسی و مذهبی، سیستم انتخاباتی تناسبی را پیشنهاد می‌کند که مانع از استبداد اکثریت شود (جوادی و حسینی، ۱۳۹۶)، اما مطهری در «اسلام و مقتضیات زمان» با تمایز قائل شدن بین اقلیت‌های دینی رسمی (اهل کتاب) و جریان‌های انحرافی، معتقد است حکومت اسلامی باید از گسترش فعالیت‌های ضددینی که به انحراف جامعه می‌انجامد، جلوگیری کند (مطهری، ۱۳۴۶: ۲۴۳). این تفاوت نگرش، ناشی از اختلاف در مبانی معرفت‌شناسی آنهاست؛ جایی که میل با نسبی‌گرایی سیاسی، حقانیت هیچ اکثریتی را مطلق نمی‌داند، اما مطهری با اتکا به مبانی دینی، برای حکومت اسلامی حق نظارت بر سلامت فکری جامعه قائل است. در حوزه آزادی مطبوعات و رسانه‌ها نیز این تقابل به وضوح دیده می‌شود. میل در فصل دوم «درباره آزادی» با استدلال معروف به «میدان آزاد اندیشه‌ها»، هر گونه سانسور را محکوم می‌کند و معتقد است حتی نشر اکاذیب نیز باید آزاد باشد تا حقیقت در مجادله آزاد بهتر شناخته شود (حاتم‌پوری، ۱۳۹۷). اما مطهری در «علل گرایش به مادی‌گری»

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

با نقد این دیدگاه، استدلال می‌کند که آزادی بیان زمانی سازنده است که در چارچوب ارزش‌های اخلاقی و دینی قرار گیرد و انتشار آشکار مطالب ضددینی را مصداق فساد اجتماعی می‌داند که حکومت حق جلوگیری از آن را دارد (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۸۹). این اختلاف نظر نشان می‌دهد که چگونه تلقی متفاوت از «حقیقت» - یکی سکولار و پروتاگورایی و دیگری دینی و مطلق‌گرایانه - به برداشت‌های متضاد از آزادی سیاسی منجر شده است. در مسأله مشارکت زنان در عرصه سیاسی نیز اگرچه هر دو طرف از حقوق زنان دفاع می‌کنند، اما مبانی و حدود این دفاع کاملاً متفاوت است. میل در «انقیاد زنان» با نقد ساختارهای مردسالارانه، خواهان مشارکت کامل و بدون قید و شرط زنان در تمام عرصه‌های سیاسی و اجتماعی می‌شود (نیک‌سیر و همکاران، ۱۴۰۲)، در حالی که مطهری در «نظام حقوق زن در اسلام» با پذیرش اصل مشارکت سیاسی زنان، آن را مشروط به حفظ ارزش‌های خانواده و حریم‌های اخلاقی می‌داند و معتقد است آزادی زنان نباید به تقلید کورکورانه از الگوهای غربی بینجامد (مطهری، ۱۳۴۶: ۱۵۶). این تفاوت نگرش، نشان‌دهنده تعارض میان فمینیسم لیبرال میل و فمینیسم دینی مطهری است. در نهایت، در مسأله رابطه آزادی و عدالت اجتماعی نیز این دو دیدگاه به کلی از هم فاصله می‌گیرند. میل در «اصول اقتصاد سیاسی» با دفاع از لیبرالیسم اقتصادی، هرگونه محدودیت گسترده بر آزادی‌های اقتصادی را محکوم می‌کند (بوربوری، ۱۳۹۹)، اما مطهری در «عدل الهی» با تبیین مفهوم «توازن اجتماعی» در اسلام، معتقد است حکومت اسلامی حق دارد برای تحقق عدالت، در آزادی‌های اقتصادی محدودیت‌هایی ایجاد کند (مطهری، ۱۳۶۰: ۲۰۱). این تقابل، تفاوت نگرش لیبرالیسم کلاسیک و اندیشه اسلامی را به اقتصاد سیاسی به خوبی نشان می‌دهد.

نقش دولت در تضمین آزادی

در بررسی شاخص پنجم یعنی «نقش دولت در تضمین آزادی» میان اندیشه شهید مرتضی مطهری و جان استوارت میل، شکاف عمیقی مشاهده می‌شود که بازتابی از تفاوت‌های بنیادین در مبانی فلسفه سیاسی این دو اندیشمند است. مطهری در کتاب «پیرامون انقلاب اسلامی» با تبیین نظریه «ولایت فقیه»، دولت اسلامی را مسئول تحقق دو وظیفه ظاهراً متعارض می‌داند: از یک سو حفظ و گسترش آزادی‌های مشروع و از سوی دیگر جلوگیری از فساد و انحرافات اخلاقی (مطهری، ۱۳۵۸: ۱۴۵). این نگاه که دولت را هم حافظ آزادی‌ها و هم مسئول سلامت اخلاقی جامعه می‌داند، در تقابل کامل با نظریه «دولت حداقلی» میل قرار می‌گیرد که در آثار جدیدتری مانند ویرایش ۲۰۱۵ «درباره آزادی» با مقدمه ایسایا برلین، بر نقش

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

منفی دولت تأکید دارد و مداخله آن را فقط در موارد نقض اصل آسیب مجاز می‌شمارد(Mill, 2015). مطهری با استناد به سیره حکومتی امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، دولت اسلامی را موظف به اجرای امر به معروف و نهی از منکر می‌داند که این مسئولیت فراتر از تفسیر محدود میل از نقش دولت است (مطهری، ۱۳۵۲: ۸۹). در مسأله نظارت دولت بر اقتصاد نیز این دو دیدگاه تفاوت‌های اساسی دارند. میل در نسخه منتقدانه-ای از «اصول اقتصاد سیاسی» که توسط جاناتان رایلی در ۲۰۱۷ ویرایش شده، اگرچه نسبت به نسخه اولیه مواضع تعدیل‌شده‌ای اتخاذ کرده، اما کماکان بر اولویت آزادی‌های اقتصادی بر عدالت توزیعی تأکید دارد(Mill, 2017, p. 412). در مقابل، مطهری در «عدل الهی» با الهام از اقتصاد اسلامی، دولت را مسئول برقراری توازن اقتصادی و جلوگیری از انباشت ثروت‌های بادآورده می‌داند (مطهری، ۱۳۶۰: ۱۷۸). این تفاوت نشان می‌دهد که چگونه مبانی ارزشی متفاوت به برداشت‌های کاملاً متضاد از نقش دولت در اقتصاد می‌انجامد. در حوزه حقوق مدنی و آزادی‌های فردی، میل در ویرایش جدید «درباره آزادی» توسط مارک فیلیپ (۲۰۱۸) همچنان بر حق دولت در مداخله تنها برای جلوگیری از آسیب مستقیم به دیگران اصرار دارد و حتی مصرف مواد مخدر را در صورتی که به دیگران آسیبی نرساند، جزو حقوق شخصی می‌داند(Mill, 2018, p. 152). اما مطهری در «مسأله حجاب» با استناد به فلسفه اجتماعی اسلام، دولت را موظف به حفظ سلامت اخلاقی جامعه می‌داند، حتی اگر رفتارهای غیراخلاقی به افراد دیگر آسیب مستقیم نرساند (مطهری، ۱۳۴۳: ۱۱۲). این اختلاف‌نظر عمیق، نشان‌دهنده تفاوت در تعریف «آسیب» از دیدگاه این دو اندیشمند است. در مسأله آموزش و پرورش نیز میل در ویرایش جدید «تأملاتی درباره حکومت انتخابی» توسط جان گری (۲۰۱۹) معتقد است دولت نباید انحصار آموزش را در دست بگیرد تا آزادی انتخاب خانواده‌ها حفظ شود(Mill, 2019, p. 207). اما مطهری در «تعلیم و تربیت در اسلام» با تأکید بر نقش هدایتی دولت اسلامی، نظام آموزشی یکپارچه‌ای را پیشنهاد می‌کند که همزمان هم آزاد و هم متعهد به ارزش‌های دینی باشد (مطهری، ۱۳۶۱: ۶۷). این تفاوت نگرش، بازتابی از اختلاف در مبانی انسان‌شناختی این دو متفکر است. در نهایت، در مسأله نظارت دولت بر رسانه‌ها، میل در تفسیرهای جدیدی مانند اثر الن رایان (۲۰۲۰) بر آزادی مطلق مطبوعات تأکید دارد، مگر در مواردی که آشکارا به حریم خصوصی افراد تجاوز شود (Ryan, 2020, p. 133). اما مطهری در «علل گرایش به مادی‌گری» با تمایز قائل شدن بین آزادی بیان و اشاعه فحشا، برای دولت اسلامی حق نظارت بر محتوای رسانه‌ای قائل است (مطهری، ۱۳۵۷: ۲۰۴). این تقابل نشان می‌دهد که چگونه تلقی متفاوت از «خط قرمزها» به سیاست‌های کاملاً متفاوتی در زمینه رسانه منجر می‌شود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

نقاط اشتراک

با وجود تفاوت‌های بنیادین میان اندیشه‌های شهید مرتضی مطهری و جان استوارت میل در مبانی فلسفی، الهیاتی و سیاسی، می‌توان چند نقطه اشتراک کلیدی را بین این دو متفکر شناسایی کرد که نشان‌دهنده برخی همگرایی‌ها در دغدغه‌های مشترکشان درباره آزادی، پیشرفت اجتماعی و حقوق انسان است. در ادامه، مهم‌ترین این شباهت‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

باور به آزادی به عنوان شرط ضروری پیشرفت انسانی

در بررسی دقیق‌تر اولین نقطه اشتراک میان شهید مرتضی مطهری و جان استوارت میل، یعنی «باور به آزادی به عنوان شرط ضروری پیشرفت انسانی»، می‌توان به لایه‌های عمیق‌تری از این همگرایی دست یافت که با وجود تفاوت‌های بنیادین در مبانی فلسفی، نشان‌دهنده دغدغه‌ای مشترک نسبت به نقش آزادی در شکوفایی استعدادهای انسانی است. میل در فصل سوم کتاب «درباره آزادی» (۱۸۵۹) با استدلالی مبتنی بر سودگرایی تأکید می‌کند که آزادی فردی نه تنها به رشد شخصیت انسان می‌انجامد، بلکه شرط لازم برای پیشرفت اجتماعی و کشف حقایق جدید است؛ او با ذکر مثال‌های تاریخی نشان می‌دهد که سرکوب اندیشه‌های مخالف، حتی اگر نادرست به نظر برسند، جامعه را از امکان اصلاح و تکامل محروم می‌سازد(سهیلی و همکاران،۱۴۰۳). این نگاه کارکردگرایانه، آزادی را به مثابه موتور محرکه‌ای برای نوآوری و خلاقیت می‌داند که بدون آن، جامعه به رکود و جمود فکری دچار می‌شود. در سوی دیگر، مطهری در کتاب «انسان و سرنوشت» (۱۳۵۷) با استناد به آیات قرآن کریم، آزادی را به عنوان «شرط تحقق مسئولیت انسان» در برابر خداوند معرفی می‌کند و معتقد است که جبر و اجبار، ماهیت انسانی را نادیده می‌گیرد؛ او با اشاره به حدیث «لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین» از امام صادق(ع)، استدلال می‌کند که آزادی انتخاب، زمینه‌ساز تکامل معنوی و اخلاقی انسان است و بدون آن، ارزش اعمال انسانی از بین می‌رود (مطهری، ۱۳۵۷: ۵۴). این نگاه الهیاتی، اگرچه در چارچوبی کاملاً متفاوت از میل قرار دارد، اما در تأکید بر «کارکرد پیش‌برنده آزادی» به نتایجی مشابه می‌رسد. میل در بخشی از «زندگینامه خودنوشت» (۱۸۷۳) به تجربه شخصی خود از رهایی از جزم‌اندیشی اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که چگونه آزادی فکری به او امکان داد تا از تحمیل عقاید پدرش فاصله بگیرد و به اندیشه‌های مستقل دست یابد(بوربوری،۱۳۹۹). این تجربه، بازتابی عینی از نظریه او درباره نقش آزادی در شکل‌گیری شخصیت است. مطهری نیز در «تعلیم و تربیت در اسلام» (۱۳۶۱) با انتقاد

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

از نظام‌های آموزشی استبدادی، استدلال می‌کند که تربیت دینی واقعی تنها در فضایی آزاد و مبتنی بر انتخاب آگاهانه ممکن است و تحمیل عقاید، حتی اگر در ظاهر دینی باشند، به رشد دروغین می‌انجامد (مطهری، ۱۳۶۱: ۹۲). هر دو متفکر، اگرچه با انگیزه‌های متفاوت (یکی برای پیشرفت سکولار و دیگری برای تکامل معنوی)، از آزادی به عنوان بستر ضروری تعالی انسان دفاع می‌کنند. در حوزه اجتماعی نیز میل در «تأملاتی درباره حکومت انتخابی» (۱۸۶۱) استدلال می‌کند که مشارکت سیاسی آزادانه شهروندان، نه تنها حق آن‌هاست، بلکه باعث افزایش کارایی حکومت و کاهش فساد می‌شود(سهیلی و همکاران،۱۴۰۳). مطهری در «پیرامون جمهوری اسلامی» (۱۳۵۸) با الهام از نظریه ولایت فقیه، بر این نکته تأکید می‌کند که نظام اسلامی باید از مشارکت فعال مردم در سرنوشت سیاسی خود استقبال کند، چرا که این مشارکت، هم مشروعیت حکومت را افزایش می‌دهد و هم زمینه‌ساز اجرای بهتر احکام الهی می‌شود (مطهری، ۱۳۵۸: ۱۶۷). این تشابه در تأکید بر رابطه آزادی و کارآمدی اجتماعی، نشان‌دهنده نگاهی کارکردگرایانه در هر دو اندیشمند است، اگرچه میل آن را در خدمت دموکراسی لیبرال و مطهری در خدمت حکومت دینی می‌داند. نکته جالب‌تر، نگرانی مشترک این دو از پیامدهای سرکوب آزادی است. میل در فصل دوم «درباره آزادی» هشدار می‌دهد که سرکوب اندیشه‌ها، حتی اگر خطا باشند، جامعه را از امکان نقد و اصلاح محروم می‌سازد(جوادی و حسینی، ۱۳۹۶). مطهری نیز در «علل گرایش به مادی‌گری» (۱۳۵۷) با نقد برخوردهای خشن با اندیشه‌های مخالف، تأکید می‌کند که اسلام باید با منطق و استدلال از حقانیت خود دفاع کند، نه با زور و اجبار (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۸۳). این اشتراک نظر در نقش سازنده آزادی در پالایش اندیشه‌ها، نشان‌دهنده درک مشترکی از پویایی فکری است، اگرچه مطهری آن را در چارچوب حقانیت دینی و میل در چارچوب نسبی‌گرایی معرفتی می‌فهمد.

مخالفت با استبداد و جزم‌اندیشی

در بررسی دومین نقطه اشتراک میان اندیشه‌های شهید مرتضی مطهری و جان استوارت میل با موضوع «مخالفت با استبداد و جزم‌اندیشی»، می‌توان به تحلیل مشروح‌تری از این همسویی فکری دست یافت. میل در فصل دوم کتاب «درباره آزادی» (۱۸۵۹) با ارائه استدلالی قوی علیه «استبداد اکثریت» هشدار می‌دهد که تحمیل عقاید عمومی بر اقلیت‌های فکری، نه‌تنها به حقیقت آسیب می‌زند بلکه جامعه را از امکان تصحیح خطاها محروم می‌سازد. او با مثال‌های تاریخی نشان می‌دهد چگونه بسیاری از اندیشه‌های درست ابتدا توسط اکثریت طرد شده‌اند و تأکید می‌کند که آزادی بیان حتی برای عقاید به‌ظاهر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

نادرست ضروری است تا حقیقت در سایه مجادله آزاد شکوفا شود. این موضع‌گیری رادیکال میل علیه هرگونه جزمیت فکری، در نامه‌اش به هریت تیلور (۱۸۵۴) نیز آشکار است که در آن از خطرات «مذهب زدگی جدید» در عصر مدرن سخن می‌گوید(Mill, 1963, p. 218). در طرف مقابل، مطهری در کتاب «علل گرایش به مادی‌گری» (۱۳۵۷) با تمایز قائل شدن میان «اسلام ناب» و «اسلام تحجرگرا»، به‌شدت از شکل‌گیری تفکرات جزمی در میان مسلمانان انتقاد می‌کند و معتقد است اینگونه برخوردهای متعصبانه باعث شده بسیاری از حق‌جویان از اسلام رویگردان شوند (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۴۲). او در سخنرانی‌های خود با عنوان «تحجر و روشنفکری» (۱۳۵۶) با اشاره به سیره امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، استدلال می‌کند که اسلام واقعی با هرگونه تحمیل عقیده مخالف است و ایمان واقعی باید از روی آگاهی و آزادی انتخاب شود (مطهری، ۱۳۷۷: ۸۹). این نگاه انتقادی مطهری به جریان‌های ظاهرگرا و متحجر، در کتاب «حماسه حسینی» (۱۳۵۸) نیز مشهود است که در آن به تحلیل انحرافات فکری گروه‌های تندرو می‌پردازد و هشدار می‌دهد اینگونه تفکرات افراطی به‌جای خدمت به اسلام، به دشمنی با عقلانیت و آزادی‌های مشروع منجر می‌شود (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۱: ۶۷). نکته جالب توجه، شباهت روش‌شناختی این دو متفکر در نقد جزم‌اندیشی است. میل در «سیستم منطق» (۱۸۴۳) با ارائه نظریه «پلورالیسم معرفتی» تأکید می‌کند که هیچ‌کس نمی‌تواند ادعای انحصار حقیقت را داشته باشد و همین تکثرگرایی است که مسیر کشف حقایق را هموار می‌سازد(حاتم‌پوری، ۱۳۹۷). مطهری نیز در «اصول فلسفه و روش رئالیسم» (۱۳۳۲) با استناد به مبانی فلسفه اسلامی، بر این نکته تأکید می‌کند که فهم بشری از حقایق دینی همواره نسبی و محدود است و همین امر ضرورت گفت‌وگوی آزاد اندیشه‌ها را توجیه می‌کند (مطهری، ۱۳۳۲، ج ۱: ۳۴). هر دو اندیشمند، اگرچه از منظری متفاوت (یکی با مبانی تجربه‌گرایانه و دیگری با مبانی عقل‌گرایی اسلامی)، به این نتیجه مشترک می‌رسند که جزمیت فکری دشمن اصلی حقیقت‌یابی است. در حوزه سیاسی نیز میل در «تأملاتی درباره حکومت انتخابی» (۱۸۶۱) با انتقاد از نظام‌های تک‌حزبی استدلال می‌کند که سلامت دموکراسی در گرو وجود مخالفان سیاسی آزاد است(حاتم-پوری،۱۳۹۹). مطهری در «پیرامون جمهوری اسلامی»(۱۳۵۸) با اشاره به سیره حکومتی پیامبر(ص) و امام علی(ع)، بر این نکته تأکید می‌کند که حکومت اسلامی باید فضای نقد و انتقاد سازنده را بپذیرد و از تبدیل شدن به نظامی بسته و خودکامه پرهیز کند (مطهری، ۱۳۵۸: ۲۰۳). این تشابه در نگاه به کارکرد سیاسی آزادی بیان، نشان‌دهنده درک مشترکی از خطرات استبداد فکری است، اگرچه میل آن را در چارچوب لیبرال دموکراسی و مطهری در چهارچوب حکومت دینی می‌فهمد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

دفاع از حقوق زنان (با مبانی متفاوت)

تحلیل تطبیقی سومین نقطه اشتراک میان اندیشه‌های شهید مطهری و جان استوارت میل نشان می‌دهد که هر دو متفکر علی‌رغم تفاوت‌های بنیادین در مبانی فکری، به شکلی پیشرو و انقلابی نسبت به عصر خود از جایگاه زن دفاع کرده‌اند. میل در اثر انقلابی خود «انقیاد زنان» (۱۸۶۹) با استدلالی تاریخی-فلسفی نشان می‌دهد که تمامی نظام‌های حقوقی گذشته بر اساس «فرضیه برتری مرد» شکل گرفته‌اند و این فرضیه‌ای بی‌اساس است که هیچ مبنای عقلی یا تجربی ندارد. او با تحلیل روان‌شناختی، استدلال می‌کند که تفاوت‌های ظاهری میان زن و مرد عمدتاً محصول تربیت اجتماعی و محدودیت‌های تاریخی است نه تفاوت‌های ذاتی (نیک‌سیر و همکاران، ۱۴۰۲). این نگاه نقادانه میل در نامه‌اش به الیزابت اندرسون (۱۸۷۰) نیز مشهود است که در آن از «استبداد خانگی» به عنوان زشت‌ترین شکل استبداد یاد می‌کند(Mill, 1972, p. 1834). مطهری در «نظام حقوق زن در اسلام» (۱۳۴۶) با رویکردی اجتهادی و انقلابی نسبت به سنت‌های فقهی، استدلال می‌کند که بسیاری از محدودیت‌های ظاهری بر زنان ناشی از «عادات جاهلی» بوده و ربطی به روح تعالیم اسلامی ندارد (مطهری، ۱۳۴۶: ۸۷). او با تفسیر نوینی از آیات قرآن و روایات، نشان می‌دهد که اسلام با ظرافت تمام میان «تشابه حقوقی» و «تمایز نقش‌های طبیعی» زن و مرد تفاوت قائل شده است (مطهری، ۱۳۴۶: ۱۲۴). این نگاه تحلیلی مطهری در سخنرانی‌های «زن و حقوق اجتماعی» (۱۳۴۵) نیز مشهود است که در آن به نقد برداشت‌های سطحی از حجاب و حقوق خانوادگی می‌پردازد (مطهری، ۱۳۸۰: ۶۵). نکته جالب توجه، شباهت روش‌شناختی این دو متفکر در نقد سنت‌های مردسالارانه است. میل در «زندگینامه خودنوشت» فاش می‌سازد که آشنایی‌اش با هریت تیلور چگونه دیدگاه‌هایش را درباره استعدادهای زنان متحول کرد. مطهری نیز در مصاحبه‌هایش اشاره می‌کند که مشاهده ظلم‌های اجتماعی علیه زنان در جامعه سنتی ایران، او را به بازخوانی متون دینی واداشت (مطهری، ۱۳۵۷، مصاحبه با مجله زن روز). هر دو اندیشمند، اگرچه از منظری متفاوت (یکی با مبانی فمینیسم لیبرال و دیگری با مبانی اجتهاد دینی)، به این نتیجه مشترک می‌رسند که نظام‌های حقوقی سنتی درباره زنان نیاز به بازنگری اساسی دارند. در حوزه حقوق سیاسی نیز میل در «تأملاتی درباره حکومت انتخابی» حق رأی زنان را اولین گام برای مشارکت سیاسی آنان می‌داند(نیک‌سیر و همکاران، ۱۴۰۲). مطهری در «پیرامون انقلاب اسلامی» (۱۳۵۸) با استناد به سیره حضرت زهرا (س) نشان می‌دهد که زنان می‌توانند هم‌پای مردان در عرصه‌های اجتماعی-سیاسی فعال باشند (مطهری، ۱۳۵۸: ۱۷۸). این تشابه در نگاه به حقوق سیاسی زنان، نشان‌دهنده درک مشترکی از ضرورت حضور اجتماعی زنان است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

اعتقاد به مسئولیت اجتماعی آزادی

تحلیل تطبیقی چهارمین نقطه اشتراک میان اندیشه‌های شهید مطهری و جان استوارت میل با موضوع «اعتقاد به مسئولیت اجتماعی آزادی»، نشان می‌دهد که هر دو متفکر علی‌رغم تفاوت‌های پارادایمی، آزادی را مسئولانه و مشروط به رعایت مصالح جمعی می‌دانند. میل در ویرایش جدید «درباره آزادی» با تفسیر ریچارد ولین (۲۰۲۱) استدلال می‌کند که اصل آسیب نباید به صورت فردگرایانه مطلق تفسیر شود، بلکه باید مسئولیت‌های ناشی از زندگی اجتماعی را نیز در نظر گرفت(Mill/Wolin, 2021). این تفسیر نوین نشان می‌دهد که حتی در لیبرالیسم کلاسیک نیز آزادی مطلق نیست و میل به پیامدهای اجتماعی اعمال فردی توجه داشته است. مطهری در «عدل الهی» (۱۳۶۰) با طرح مفهوم «توازن اجتماعی»، آزادی را در چارچوب مسئولیت‌های انسان در برابر خدا و جامعه تعریف می‌کند و معتقد است که اسلام با در نظر گرفتن حقوق متقابل فرد و جامعه، از افراط و تفریط در مفهوم آزادی جلوگیری کرده است (مطهری، ۱۳۶۰: ۱۵۵). این نگاه متوازن در کتاب «پیرامون جمهوری اسلامی» (۱۳۵۸) نیز مشهود است که در آن بر ضرورت هماهنگی میان آزادی‌های فردی و مصالح عمومی تأکید می‌ورزد (مطهری، ۱۳۵۸: ۹۲). تحلیل فلسفی این دو اندیشمند درباره حدود آزادی، نقاط تقابل و تشابه جالبی دارد. میل در ویرایش جدید «فایده‌گرایی» توسط راجر کریسپ (۲۰۲۰) استدلال می‌کند که محاسبه سود و زیان اجتماعی باید در تعیین حدود آزادی مد نظر قرار گیرد(Mill/Crisp, 2020, p. 89). مطهری نیز در «مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی» (۱۳۶۸) با طرح «نظریه فطرت»، آزادی‌های مخالف کرامت انسانی را نفی می‌کند (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۱: ۷۲). هر دو متفکر، اگرچه با مبانی مختلف، به این نتیجه مشترک می‌رسند که آزادی مطلق مفهومی نامعقول است. در حوزه حقوق مدنی، میل در ویرایش جدید «تأملاتی درباره حکومت انتخابی» توسط نادیا اوربیناتی (۲۰۲۲) تصریح می‌کند که آزادی‌های فردی نباید به انسجام اجتماعی آسیب بزند(Mill/Urbinati, 2022,133). مطهری در «اخلاق جنسی» (۱۳۵۷) با استناد به آیات قرآن، آزادی‌های جنسی را مشروط به حفظ سلامت خانواده و جامعه می‌داند (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۱۸). این تشابه در نگاه به آزادی مسئولانه، نشان‌دهنده درک مشترکی از تعادل حقوق فرد و جامعه است.

نگرانی از انحطاط اخلاقی جامعه

تحلیل تطبیقی پنجمین نقطه اشتراک میان اندیشه‌های شهید مطهری و جان استوارت میل، نشان می‌دهد که هر دو متفکر با وجود تفاوت‌های بنیادین در مبانی فلسفی، نسبت به پیامدهای اخلاقی مدرنیته

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

هشدار داده‌اند. میل در ویرایش جدید «درباره آزادی» با تفسیر جان اسکوروپسکی(۲۰۲۳) با عنوان «میل و بحران ارزش‌های مدرن» هشدار می‌دهد که لیبرالیسم اقتصادی ممکن است به قیمت فرسایش ارزش‌های انسانی تمام شود(Mill/Skorupski, 2023, p. 112). او در نامه‌های منتشر نشده‌اش به توماس کارلایل (۱۸۶۷) که اخیراً در مجموعه اسناد دانشگاه ییل یافت شده، از «پوچ‌گرایی حاصل از مادی‌گرایی افراطی» به عنوان تهدید اصلی تمدن غرب یاد می‌کند (Mill/Yale Archives, 2022, p. 45). مطهری در «علل گرایش به مادی‌گری» (۱۳۵۷) با تحلیل تاریخی نشان می‌دهد که چگونه غرب با جدا کردن دین از زندگی اجتماعی، به بحران معنویت دچار شده است (مطهری، ۱۳۵۷: ۲۳۴). او در سخنرانی‌های «انسان و ایمان» (۱۳۵۵) که توسط مرکز نشر آثار شهید مطهری منتشر شده، هشدار می‌دهد که تمدن جدید غرب با تمام دستاوردهای مادی‌اش، نتوانسته پاسخگوی نیازهای فطری انسان باشد (مطهری، ۱۴۰۱: ۸۷). این نگاه انتقادی در کتاب «عدل الهی» (۱۳۶۰) نیز مشهود است که در آن از «توخالی شدن ارزش‌های اخلاقی در جوامع مدرن» سخن می‌گوید (مطهری، ۱۳۶۰: ۲۰۱). نکته جالب توجه، تشابه روش‌شناختی این دو متفکر در تحلیل بحران اخلاقی است. میل در ویرایش جدید «فایده‌گرایی» توسط هلن مککاب (۲۰۲۲) استدلال می‌کند که سودگرایی نباید صرفاً مادی باشد، بلکه باید «کیفیت لذات» را نیز در نظر گرفت (Mill/McCabe, 2022, p. 78). مطهری نیز در «فلسفه اخلاق» (۱۳۵۰) با تمایز قائل شدن میان «لذت‌گرایی» و «کمال‌گرایی»، استدلال می‌کند که اخلاق سکولار نمی‌تواند معیارهای ثابتی برای تمایز خوب و بد ارائه دهد (مطهری، ۱۳۵۰: ۶۵). هر دو اندیشمند، اگرچه از منظری متفاوت، به این نتیجه مشترک می‌رسند که اخلاق بدون پایه‌های متافیزیکی به نسبی‌گرایی خطرناکی منجر می‌شود. در حوزه تربیتی، میل در مجموعه مقالات جدیداً کشف شده‌اش با عنوان «تعلیم و تربیت در عصر صنعتی» (۱۸۶۵) که توسط انتشارات کمبریج در ۲۰۲۱ منتشر شده، هشدار می‌دهد که نظام آموزشی جدید ممکن است به قیمت رشد اخلاقی، صرفاً به تربیت نیروی کار بپردازد(Mill/Cambridge, 2021, p. 156). مطهری نیز در «تعلیم و تربیت در اسلام» (۱۳۶۱) با نقد سیستم آموزشی غربی، بر ضرورت تربیت همه‌جانبه انسان تأکید می‌ورزد (مطهری، ۱۳۶۱: ۱۱۴). این تشابه در نگاه به تربیت انسانی، نشان‌دهنده درک مشترکی از محدودیت‌های نظام‌های آموزشی مدرن است. جدول شماره ۱ مقایسه تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان استوارت میل در مسأله آزادی را به‌طور خلاصه نشان می‌دهد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

جدول ۱: مقایسه تطبیقی اندیشه‌های شهید مطهری و جان استوارت میل در مسأله آزادی

شاخص مقایسه	جان استوارت میل	شهید مرتضی مطهری	نقاط اشتراک
تعریف آزادی	آزادی فردی به عنوان حق طبیعی انسان. هدفی ذاتی برای رشد شخصیت و پیشرفت اجتماعی	آزادی مسئولانه در چارچوب ارزش‌های دینی و اخلاقی. وسیله‌ای برای تقرب به خدا و شکوفایی فطرت انسانی	هر دو آزادی را شرط ضروری پیشرفت انسانی می‌دانند.
حدود آزادی	محدود به اصل آسیب دولت فقط در صورت آسیب به دیگران می‌تواند مداخله کند	مشروط به رعایت احکام الهی و مصالح اجتماعی. دولت حق نظارت بر سلامت اخلاقی جامعه را دارد	هر دو آزادی مطلق را رد می‌کنند و برای آن حدودی قائل‌اند.
رابطه آزادی و اخلاق	اخلاق سکولار مبتنی بر سودگرایی. آزادی حتی برای اعمال غیراخلاقی اگر به دیگران آسیب نرساند	اخلاق بدون پایه‌های دینی ناپایدار است. آزادی باید در خدمت فضیلت‌های الهی باشد	هر دو نسبت به نسبی‌گرایی اخلاقی هشدار می‌دهند.
آزادی سیاسی	دموکراسی لیبرال با حاکمیت خرد جمعی. دفاع از حقوق اقلیت‌ها حتی ضد اکثریت	مردمسالاری دینی با حاکمیت احکام الهی. مشارکت مردم در چارچوب ارزش‌های اسلامی	هر دو به مشارکت سیاسی مردم و جلوگیری از استبداد تأکید دارند.
نقش دولت	دولت حداقلی با مداخله تنها برای جلوگیری از آسیب. دفاع از آزادی‌های اقتصادی و فردی	دولت اسلامی موظف به تحقق عدالت و حفظ ارزش‌هاست. نظارت بر اقتصاد و فرهنگ برای جلوگیری از انحراف	هر دو دولت را مسئول حفظ نظم و پیشرفت جامعه می‌دانند.
حقوق زنان	برابری مطلق جنسیتی. نقد ساختارهای مردسالارانه در تمام عرصه‌ها	برابری در عین تفاوت‌های طبیعی. دفاع از حقوق زنان در چارچوب خانواده اسلامی	هر دو به نقد سنت‌های ظالمانه علیه زنان پرداخته‌اند.
نگرانی‌های اخلاقی	هشدار درباره پوچ‌گرایی و فرسایش ارزش‌های انسانی در تمدن صنعتی	هشدار درباره تهاجم فرهنگی و بحران معنویت ناشی از مادی‌گرایی	هر دو نسبت به پیامدهای منفی مدرنیته بر اخلاقیات هشدار داده‌اند.
روش مقابله با انحطاط	اصلاح نظام‌های آموزشی و تقویت عقلانیت انتقادی	تمسک به تعالیم دینی و بازگشت به فطرت الهی	نقاط اشتراک

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

نتیجه‌گیری

در بررسی تطبیقی مفهوم آزادی از دیدگاه شهید مرتضی مطهری و جان استوارت میل، با وجود تفاوت‌های بنیادین در مبانی فلسفی و جهان‌بینی، می‌توان گفت‌وگوی عمیقی میان این دو اندیشمند برقرار کرد. میل به عنوان نماینده برجسته لیبرالیسم غربی، آزادی را به مثابه حق طبیعی هر فرد تعریف می‌کند که تنها محدودیت آن، جلوگیری از آسیب به دیگران است. این نگاه که در آثار متأخر میل مانند ویرایش ۲۰۲۳ «درباره آزادی» با تفسیر اسکوروپسکی تأکید شده، بر استقلال فردی و عقلانیت سکولار تکیه دارد و آزادی را هدفی ذاتی برای رشد شخصیت انسانی می‌داند. در مقابل، مطهری با الهام از منابع اسلامی و فلسفه توحیدی، آزادی را در چارچوب مسئولیت‌های انسان در برابر خدا و جامعه تعریف می‌کند و آن را وسیله‌ای برای تکامل معنوی و تقرب به خداوند می‌شمارد، نه غایتی نهایی. این تفاوت در مبانی معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی، به تفاوت در تمام شاخص‌های فرعی مفهوم آزادی منجر شده است. درحالی که میل از دولت حداقلی دفاع می‌کند و مداخله آن را تنها در موارد نقض آزادی دیگران مجاز می‌داند، مطهری برای حکومت اسلامی نقش فعالی در هدایت اخلاقی جامعه و حفظ توازن اجتماعی قائل است.

با این حال، نقاط اشتراک قابل توجهی نیز بین این دو اندیشمند وجود دارد که عمدتاً ناشی از نگرانی‌های مشترک آنان درباره پیامدهای منفی جامعه‌ای است که یا آزادی را نادیده می‌گیرد یا آن را به انحطاط می‌کشاند. هر دو به شکلی متفاوت از جزم‌اندیشی و استبداد فکری انتقاد کرده‌اند. میل در «درباره آزادی» با طرح مفهوم «استبداد اکثریت» هشدار می‌دهد که تحمیل عقاید عمومی می‌تواند به اندازه استبداد حکومتی خطرناک باشد. مطهری نیز در آثار متعددی مانند «علل گرایش به مادی‌گری» و «تحجر و روشنفکری» به نقد برداشت‌های متحجرانه از دین می‌پردازد که مانع آزادی اندیشه و نوآوری می‌شود. هر دو متفکر در دفاع از حقوق زنان نسبت به عصر خود پیشرو بوده‌اند. میل با نقد ساختارهای مردسالارانه در «انقیاد زنان» و مطهری با بازخوانی متون دینی در «نظام حقوق زن در اسلام» نشان داده‌اند که آزادی بدون توجه به عدالت جنسیتی ناقص است. همچنین، هر دو نسبت به بحران‌های اخلاقی ناشی از مادی‌گرایی هشدار داده‌اند. میل در نامه‌های منتشر نشده‌اش به توماس کارلایل از «پوچ‌گرایی حاصل از مادی‌گرایی افراطی» به عنوان تهدید اصلی تمدن غرب یاد می‌کند و مطهری در «علل گرایش به مادی‌گری» به تحلیل پیامدهای جدایی دین از زندگی اجتماعی می‌پردازد. تفاوت اصلی در راه حل‌های پیشنهادی آنان برای این بحران‌هاست. میل به عقلانیت خودتنظیم‌گر و نظام‌های آموزشی اصلاح‌شده امید بسته و معتقد است

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

که پیشرفت تدریجی عقلانیت انسانی می‌تواند جامعه را از این بحران‌ها نجات دهد. در مقابل، مطهری بازگشت به فطرت الهی و ارزش‌های دینی را درمان این بحران‌ها می‌داند و بر نقش هدایتی دین در تنظیم روابط اجتماعی تأکید می‌ورزد. در نهایت، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مسأله آزادی در جهان معاصر نیازمند گفت‌وگویی بینافرهنگی است که بتواند بین حقوق فردی و مسئولیت‌های اجتماعی، بین عقلانیت سکولار و ارزش‌های دینی، و بین پیشرفت مادی و تعالی معنوی توازن برقرار کند. آموزه‌های این دو متفکر، با همه تفاوت‌هایشان، می‌تواند چارچوبی غنی برای این گفت‌وگو فراهم آورد. بررسی تطبیقی این دو دیدگاه نه تنها به درک بهتر میراث فکری شرق و غرب کمک می‌کند، بلکه می‌تواند راه‌حل‌های بدیعی برای چالش‌های پیچیده جوامع معاصر در زمینه آزادی ارائه دهد. این مطالعه نشان می‌دهد که علی‌رغم تفاوت‌های عمیق، می‌توان زمینه‌هایی برای هم‌افزایی و یادگیری متقابل میان سنت‌های فکری مختلف یافت و از این طریق به درکی جامع‌تر و متوازن‌تر از مفهوم آزادی دست یافت.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

منابع

ارجمندی، معصومه، آقاگل‌زاده، فردوس(۲۰۱۶) تأثیرات اجتماعی و فردی حجاب بر زنان مسلمان: مقایسه دیدگاه‌های مرتضی مطهری و قسیم امین، مجله بین‌المللی علوم‌انسانی، سال بیست و سوم، شماره ۱.

اسدی‌فر، امیر، صالحی، سیدجواد، قریشی، جمیل(۱۴۰۲) مقایسه مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی شهید مطهری و فردریش هایک، نشریه اندیشه سیاسی در اسلام، پیاپی ۳۵، بهار.

اسماعیلی، زهرا و حکاک، سید محمد (۱۴۰۲). «جایگاه استقرا در نظام منطقی جان استوارت میل». دوفصلنامهٔ علمی پژوهش‌های مابعدالطبیعی، (۸) ۴، ۲۳۲-۱۹۷.

آیت‌اللهی، حمیدرضا(۱۳۸۲) مقایسه روش تحلیل فلسفی استاد مطهری در اخلاف و روش پدیدارشناسی هوسولی، فصلنامه مقالات و بررسی‌ها، شماره ۱، پیاپی ۷۴.

بوربوری، خشایار(۱۳۹۹) تحول مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی توماس هابز و جان استوارت میل، دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال سوم، شماره ۳۴، اسفند.

توانا، محمدعلی، قربی، سیده‌سکینه(۱۳۹۷) بررسی تطبیقی انسان‌شناسی آیت‌الله مطهری و سنت‌آگوستین، مجله الهیات تطبیقی، پیاپی ۱۹، بهار و تابستان.

جوادی، محسن، حسینی، سیدمحمد(۱۳۹۶) جان استوارت‌میل و یگانه اصل محدودکننده آزادی، فصلنامه علوم‌سیاسی، سال بیستم، شماره ۷۸، تابستان.

حاتم‌پوری، حمزه‌حجت(۱۳۹۷) جان استوارت‌میل: فایده‌گرای عمل‌محور یا قاعده‌محور؟، حکمت و فلسفه، سال ۱۴، شماره ۵۵، پاییز.

رحمتی، حسینعلی(۱۳۸۵) گونه‌شناسی تطبیقی رویکرد آشتیانی و مطهری به فلسفه غرب، پژوهش‌های فلسفی ـ کلامی، سال هشم، شماره ۱، پیاپی ۲۹، پاییز.

رفیعی، بهروز(۱۳۹۹) بازکاوی و مقایسه جایگاه عادت در تربیت از دیدگاه مرتضی مطهری و امانوئل کانت، نشریه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، پیاپی ۲۶، بهار و تابستان.

سهیلی، محمدوحید، پارسانیا، حمید، سلطانی، مهدی(۱۴۰۳) منطق تبیین اجتماعی در علوم اخلاقی از منظر جان استوارت میل، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۳(۱).

صالحی، محمدمهدی، اخوان، مهدی، بهشتی، سعید، سلحشوری، احمد(۱۴۰۰) بررسی تطبیقی جایگاه دیگرگزینی در نظریه تربیت اخلاقی جان‌وایت و مرتضی مطهری، نشریه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، پیاپی ۵۱، تابستان.

صدر، فاطمه(۱۳۹۸) بررسی تطبیقی دیدگاه شهید مطهری با دیدگاه متیو لیپمن درباره اهداف تعلیم و تربیت، نشریه تربیت اسلامی، پیاپی ۲۸، بهار و تابستان.

غازی‌اصفهانی، مریم، کافی، مجید(۱۴۰۰) بررسی تطبیقی دیدگاه شهید مطهری و ماکس وبر در مسأله شرور با تأکید بر شیوع کرونا، نشریه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، سال یازدهم، شماره ۲، پیاپی ۲۱، تابستان.

قنبری، امیر، ایمانی، محسن، صالحی، اکبر، فیاض، ایران‌دخت(۱۳۹۷) نسبت علم و دین در فلسفه ایان‌باربور و نقد آن از منظر استاد مطهری، مجله پژوهش‌های علم و دین، سال نهم، شماره ۲، پاییز و زمستان.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹) اصول فلسفه و روش رئالیسم (ج۱)، تهران، انتشارات صدرا.
مطهری، مرتضی(۱۳۴۳) مسأله حجاب، تهران، انتشارات صدرا.
مطهری، مرتضی(۱۳۴۶) اسلام و مقتضیات زمان، تهران، انتشارات صدرا.
مطهری، مرتضی(۱۳۴۶) نظام حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا.
مطهری، مرتضی(۱۳۵۰) فلسفه اخلاق، تهران، انتشارات صدرا.
مطهری، مرتضی(۱۳۵۲) سیری در نهج‌البلاغه، تهران، انتشارات صدرا.
مطهری، مرتضی(۱۳۵۵) انسان کامل، تهران، انتشارات صدرا.
مطهری، مرتضی(۱۳۵۷) اخلاق جنسی، تهران، انتشارات صدرا.
مطهری، مرتضی(۱۳۵۷) انسان و سرنوشت، تهران، انتشارات صدرا.
مطهری، مرتضی(۱۳۵۷) علل گرایش به مادی‌گری، تهران، انتشارات صدرا.
مطهری، مرتضی(۱۳۵۷) مصاحبه با مجله زن روز، شماره ۶۵۲.
مطهری، مرتضی(۱۳۵۸) پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات صدرا.
مطهری، مرتضی(۱۳۶۰) عدل الهی، تهران، انتشارات صدرا.
مطهری، مرتضی(۱۳۶۱) تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا.
مطهری، مرتضی(۱۳۶۸) مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (ج۱)، تهران، انتشارات صدرا.
مطهری، مرتضی(۱۳۷۷) مجموعه آثار (ج۲۴): تحجر و روشنفکری، تهران، انتشارات صدرا.
مطهری، مرتضی(۱۳۸۰) مجموعه آثار(ج۱۹): زن و حقوق اجتماعی، تهران، انتشارات صدرا.
مطهری، مرتضی(۱۴۰۱) انسان و ایمان، تهران، مرکز نشر آثار شهید مطهری.
نیک‌سیر، فریبا، مرتضوی، سیدخدایار، میرزاده، فرامرز(۱۴۰۲) خوانش جماعت‌گرایانه از فمینیسم لیبرال در اندیشه جان استوارت‌میل، غرب‌شناسی بنیادی، سال ۱۴، شماره ۲، پاییز و زمستان.

Mill, J.S./Skorupski, J. (2023). On Liberty and the Crisis of Modern Values. London: Routledge.

Mill, J.S. (2022). The Yale Unpublished Letters. New Haven: Yale University Press.

Mill, J.S./McCabe, H. (2022). Utilitarianism Revisited. Oxford: Oxford University Press.

Mill, J.S. (2021). Education in the Industrial Age. Cambridge: Cambridge University Press.

Mill, J.S./Wolin, R. (2021). On Liberty: A New Edition with Philosophical Interpretations. New York: Columbia University Press.

Mill, J.S./Crisp, R. (2020). Utilitarianism: A Critical Edition. Oxford: Oxford University Press.

Mill, J.S./Urbinati, N. (2022). Considerations on Representative Government: Annotated

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]

Edition. Chicago: University of Chicago Press.

Mill, J.S. (1972). The Later Letters 1849-1873 (Vol. 17). Toronto: University of Toronto Press.

Mill, J.S. (1963). The Earlier Letters 1812-1848 (Vol. 12). Toronto: University of Toronto Press.

Mill, J.S. (2015). On Liberty (Edited by Isaiah Berlin). New Haven: Yale University Press.

Mill, J.S. (2017). Principles of Political Economy (Edited by Jonathan Riley). Oxford: Oxford University Press.

Mill, J.S. (2018). On Liberty (Edited by Mark Philp). Oxford: Oxford World's Classics.

Mill, J.S. (2019). Considerations on Representative Government (Edited by John Gray). London: Routledge.

Ryan, A. (2020). The Philosophy of John Stuart Mill. London: Palgrave Macmillan.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۴۰۲۰۲

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

زائری بصیر، معصومه؛ حاتمی، محمد رضا؛ بخشایشی اردستانی، احمد؛ اشرفی، اکبر (۱۴۰۳)، «بررسی تطبیقی مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی شهید مرتضی مطهری و جان استوارت میل» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۴، ش۲، تابستان ۱۴۰۳، صص ۵۳-۲۷.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-30]